

صور بلاغی در بیانات رضوی

دکتر ابراهیم فلاح^۱

چکیده

جستجو در متون مذهبی ادبی به جای مانده از ائمه (ع) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بیانات سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا(ع) از نظر محتوی سرشار از حکمت و معرفت و از حیث سبک و سیاق تابلوهایی نفیس و ارزشمند از زیبایی، جمال و شکوهمندی است. متون به جا مانده از هشتمین خورشید امامت، زاییده احساسات زودگذر بشری نیستند بلکه محصول تراوشهای فکری و دینی عمیق هستند که از خدا و اعتقاد عمیق به کرامت انسان مایه می‌گیرند، لذا در قالبهای زیبایی بلاغی و ادبی به زیور آراسته گشته‌اند.

این مقاله با عنوان «صور بلاغی در بیانات رضوی» رویکردی زیبایی شناسانه در بیانات رضوی است که گوهر معرفت را در قالب صدفهای زیبا و جذاب الفاظ فصیح و بلیغ ریخته و راز و رمز کمال را به آدمی گفته‌اند. در این مقاله ابتدا بلاغت آن امام همام مطرح گردیده و سپس صور بلاغی در بیانات رضوی با ارایه مصادیقی از متون پژوهش گردیده و سرانجام این نتیجه به دست آمده است که با چنین بررسیهایی می‌توان زیباییهای فراوان استخراج و معرفی نمود و معارف و مفاهیمی جدید به اندوخته‌های دینی خویش افزود و در نهایت به عمق معارف دینی رسید.

واژگان کلیدی: بیانات رضوی، صور بلاغی، فصاحت، بلاغت.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری Fallahabrahim@gmail.com

مقدمه

بیانات رضوی، آن چنان زیبا و دلربا و ژرف و معنی گستر است که شیفتگان ادب و بلاغت را مسحور خود می‌نماید و دل می‌رباید. امام (ع) با نور دانش و گفتار نیکوی خویش از اسرار و رموز وجود هستی مطلق پرده بر می‌دارد. تمام گفتار و سخنانش، گفتاری حکیمانه و فشرده پرمعنی است و الفاظ برجسته کلام وی همانند گردنبندهایی دلربا است که رشته‌ای ناگستنی دارند.

بعد از کلام وحی که با معانی ژرف و عمیق در اسلوبهایی زیبا و انبیک، نمود یافت، در مرتبه‌ای پایین‌تر از این کلام بالا بلند که تا روزگار باقی است دلبری می‌کند، آثار و اثمار بیانی و بنانی چهارده عقل آویخته از بام فلک و چهارده خوب‌روی رشک ملک، یعنی پیامبر اکرم (ص) و خاندان محترم آن یگانه‌هستی قرار دارد که در دو حوزه «روایات و مناجات» به اقتضای حال مخاطبان عرضه شده و به جامه تعبیر درآمده است. (خانجانی، ۱۳۸۴ش: ص ۴)

امام رضا (ع) در بیان معارف دین مبین اسلام، از ساده‌ترین بیانه‌ها و زیباترین روشها استفاده نموده که برای همه‌آحاد جامعه قابل درک بوده و با این شیوه که بهترین شگرد برای تبدیل تهدید به فرصت بود، مکر دشمنان را به خودشان بازگردانده است.

ایشان که نماد جاودان حکمت و بلاغت و وجود عینی و خارجی قرآن کریم است، با گفتار حکیمانه و فصیح و بلیغ خویش به عنوان بزرگ‌ترین پرچم‌دار یک نبرد فرهنگی، دسیسه‌های پیچیده دستگاه عباسی را نقش بر آب کرد.

نگارنده در این مقاله بر آن است تا صور بلاغی و زیباییهای ادبی و ابعاد آن را در بیانات رضوی تبیین نماید و جایگاه آن را نشان دهد.

۱- بلاغت هشتمین خورشید امامت

کلمات نزد حضرت امام رضا (ع) همچون جواهر و مرواریدهای درخشانی هستند که هر گونه آن حضرت اراده نمایند آنها را در کنار هم دیگر قرار می‌دهند تا شکلی زیبا و تحسین برانگیز از رساترین و شیواترین و بلیغ‌ترین سخن بیافرینند و در اعماق دل هر شنونده و مخاطب صاحب‌دل نفوذ نمایند. عبارات بلیغ آن حضرت براساس هدف غایی و الهی‌شان که همان اجرا کردن دین الهی و اصلاح و هدایت امت اسلامی از انحراف‌های فکری و مادی است که مأمون و خاندان عباسی ایجاد کردند تا این دین را به نفع خویش مصادره نمایند، این نکته را بازتاب می‌دهد که امام (ع) حال

مخاطبان را به دقت مورد نظر خویش قرار داده و جایی که ایجاز (سخن کوتاه) لازم می‌گردد، ایجاز غیرمخل (سخن کوتاه و رسا) به کار برده و آن‌جا که حال مخاطب، اطناب (سخن دراز) ایجاب می‌نماید از اطناب غیرممل (سخن دراز بدون ایجاد تنفر) بهره گرفته‌اند. در تمامی خطب و یا مناظره‌ها و یا کلمات قصار، آن حضرت علاوه بر رعایت فصاحت کلمات و بلاغت در کلام؛ صور بیانی و بلاغی زیبایی مانند: تشبیه، مجاز، سجع و جناس و تصویر فنی و تجسیم و تخیل را به کار برده‌اند. تا این که با سخن روشن و بلیغانه، مخاطبان را با مقاصدشان آشنا سازند. امام رضا(ع) مضامین و معانی متون را بر پایه احساسات و عواطف زیبا و در عین حال حکیمانه و در قالب مسؤولیت دینی خود به عنوان امام و امانتدار دین و امت ابراز نموده‌اند. در این باره صالح هروی نقل می‌کند که امام رضا(ع) فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا: فَقُلْتُ لَهُ: «فَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟» قَالَ: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا.» (صدوق، ۱۴۲۵ق: ص ۲۸۴): خداوند رحمت کند بنده‌ای را که دستورهای ما را احیا و زنده نماید. به او گفتیم: چگونه دستورهای شما را زنده کند؟ امام (ع) فرمود: علوم و دانشهای ما را بیاموزد و به مردم آموزش دهد. اگر مردم زیباییهای گفتار ما را بدانند هر آینه از ما پیروی می‌نمایند. همانطور که ملاحظه شد، در این بیان امام رضا(ع) به زیبایی گفتارشان اشاره نمودند که این زیبایی گفتار را از جدشان امام علی (ع) به ارث برده‌اند. آنجا که می‌فرماید «وَإِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ وَفِينَا تَنْشَبَتْ عُرُوقُهُ وَعَلَيْنَا تَهَدَّلَتْ عُصُونُهُ» (نهج البلاغه، خ ۲۲۳): (همانا ما امیران سخن می‌باشیم، و درخت آن در میان ما ریشه دوانده و شاخه‌های آن بر سر ما سایه گسترده است).

مأمون که برخوردهای سخت اسلاف خود را ناکارآمد یافته و با امام رضا(ع) به جنگی نرم برخاسته بود، با مقابله هوشمندانه و نرم امام (ع) مواجه شد که در این میان، فصاحت و بلاغت و زیبایی گفتار امام از مهم‌ترین ابزار مقابله در جبهه فرهنگی و سیاسی بوده زیرا کلام و گفتار هنگامی که با فصاحت و بلاغت آمیخته باشد، معجزه و تأثیر آن فراوان‌تر است.

۲- بررسی صور بلاغی گزیده‌هایی از بیانات رضوی

جنبه‌های زیباشناختی و بلاغی بیانات رضوی در بالاترین سطح بلاغت و فصاحت قرار گرفته و از دو جهت در اوج و بلندی کمال است:

۱- فصاحت و بلاغت؛

۲- محتوا و مضمون.

در بیانات رضوی، حکمت، فصاحت و بلاغت به زیبایی هرچه تمام‌تر در کنار یکدیگر قرار گرفته و جلوه‌گری می‌نماید و با تعبیرات لطیف و تصویرهای بدیع از حقایق و روابط عینی و با به کارگیری صور خیال، دل آدمی را از طبیعت به سوی آستانه حقیقت می‌کشاند و او را در عالمی پر از نورانیت، پاکی، دلدادگی و شیدایی قرار می‌دهد و در یک جمله، باعث تصعید و تلطیف اضلاع وجود انسان، از ادراک، احساس و کردار او می‌شود.

محتوای اعتقادی، اخلاقی، حکمی، موعظه‌ای و اجتماعی این گفتارها، با قالب بلاغی و ادبی‌اش، ارزش والا و جایگاه بالایی در میان متون دینی به آن داده است. استفاده امام(ع) از صور بلاغی در قالب تشبیه و زبان مجاز و جناس و طباق و سجع و جز آن بسیار زیبا بوده و مضامین را با ترکیباتی روح‌نواز بیان کرده است.

امام رضا(ع) دارای حضور ذهن، سرعت انتقال، قدرت استدلال و روانی و شیوایی کلام بود، معانی بکر و تازه در هنگام ضرورت بی‌زحمت اندیشه و بدون سستی در بیان در اختیارش قرار داشت، مباحثات و مناظرات آن حضرت، با ارباب ادیان و دانشمندان و زندیقان که آنان را با دلایل روشن و براهین قاطع محکوم و مغلوب می‌نمود، دلیلی آشکار بر میزان حضور ذهن و سرعت انتقال و به کارگیری فصاحت در گفتار است.

بررسی شیوه‌های بلاغی بیانات رضوی می‌تواند الگو و راهبردی مناسب برای ما در عصر حاضر باشد و می‌توان روشها و شیوه‌های امام(ع) را در گفتمان دینی اجرا کرد، در این صورت به یقین می‌توانیم در معرفی اسلام به جهان موفق‌تر باشیم.

صنایع بلاغی که امام رضا(ع) آن را به کار برده‌اند بسیار است و در این جا به بعضی از این صنایع بلاغی اشاره می‌شود.

۱-۲: حسن ابتدا^۱

وقتی فرازهای نخستین کلام معصومین (ع) را بررسی می‌کنیم، در می‌یابیم که به شیوه قرآن کریم و براساس تعالیم مکتب نبوی، سخن خود را با حمد و ثنای خداوند قادر و متعال آغاز می‌کنند.

مطلع قرآن کریم سوره فاتحه است که پس از بسم‌الله الرحمن الرحیم با حمد و ستایش خداوند آغاز می‌شود و می‌فرماید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (حمد/۱): (حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است).

خطبه‌های امیرالمؤمنین علی (ع) نیز غالباً با حمد ثنای الهی آغاز می‌شود؛ آن‌جا که می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مَدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ» (نهج البلاغه، خ ۱): (سپاس خدایی را که سخنوران در ستودن او بمانند).

همین شیوه نیز در بیانات رضوی مد نظر قرار گرفته است، زیرا ایشان در آغاز کلام خویش می‌فرماید: «سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ، وَ أَتَقَنَ مَا خَلَقَ بِحِكْمَتِهِ، وَ وَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْهُ مَوْضِعَهُ بِعِلْمِهِ». (صدوق، ۱۳۷۳ش: ج ۱، ص ۲۳۸): «منزه است خدایی که به قدرت خود، خلقت را خلق کرده است و آن چه را خلق کرد، به حکمت خود متقن و استوار آفرید و با علم خویش، هر چیز را در جای خود قرار داد.» بنابراین امام رضا (ع) در این رویکرد، از سبک قرآن کریم و اجداد بزرگوارش پیروی و گفتار خود را با سخنان آنان هماهنگ کرده است.

«حسن ابتدا» در هر سخن نثر و نظم امری بسیار مهم و حساس است؛ زیرا اول چیزی است که به گوش سامعین می‌رسد، پس اگر حسنی دارد باعث زیادی شوق حاضرین در سماع آن می‌شود والا باعث بی‌رغبتی است. (مازندرانی، ۱۳۷۶ش: ص ۳۹۲) و شنونده را از شنیدن یا خواندن باقی سخن منصرف می‌کند. سخن همچون قفلی است که آغاز آن، به منزله کلید آن است، پس هر قفل سخنی را با کلید مناسب آن باید گشود.

 ۲-۲: حسن ختام^۲

امام رضا (ع) در گفتارهایش علاوه بر حسن ابتدا، حسن ختام بسیار دلپذیر و مناسبی را به کار می‌برد که در آراستگی و پختگی و تأثیرگذاری، آن را در حد اعلای سخن قرار داده است، به ویژه با عنایت به این که معمولاً آخرین بخش از کلام، بیشتر از دیگر اجزای آن در گوش بر جای

می ماند و گاهی فقط همان بخش در ذهن جای می گیرد و لذت آن . در نفس جایگزین می گردد.

امام (ع) همان طور که در آغاز سخن به ستایش خداوند همت گمارده است، در آخر، عبارت هایش با نهایت ظرافت بیاناتش را با واژه حمد به پایان برده است. «... سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَكَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (صدوق، ۱۳۷۳ش: ج ۱: ص ۲۳۸): «منزّه است کسی که نگاههای مخفی و خیانت بار چشمها و نیتهای پنهان در دل را می داند، هیچ چیز مانند او نیست و او شنوا و بینا است» حسن ختام به اعتبار آن که آخر چیزی است که به گوش سامع می رسد؛ پس اگر احسن باشد، موجب التذاذ سامع بیشتر است و تدارک نقصانی که از پیش واقع شده، می نماید. (مازندرانی، همان: ص ۳۹۳)

۲-۳: قصر^۳

یکی از مظاهر بلاغی بسیار زیبا که در بیانات رضوی به کار رفته، قصر است. نمونه قصر در گفتار امام رضا (ع) چنین است: «مَنْ أَخْلَقَ الْأَنْبِيَاءَ التَّنْظُفُ» (حرانی، ۱۴۱۷ق: ص ۳۲۵): «خویش را پاکیزه کردن و آرامش از اخلاق و شیوه پیامبران است». در این جمله، صنعت قصر به روش تَقْدِيمُ مَا حَقَّهُ التَّأخِيرُ آمده است. عبارت کوتاه و موجز و در عین حال بهره مند از معنای زیاد است.»

انبیاء، الگو و اسوه حسنه از جانب خداوند هستند. در حدیث فوق علاوه بر اشاره به اهمیت نظافت که در حصر قرار گرفته، امام (ع) نظافت و پاکیزگی را از اخلاق پیامبران الهی دانسته اند. چون نظافت، زیبایی است و حسن زیبایی یکی از مهم ترین ابعاد چهارگانه (حسن نیکی، حس مذهبی و حسن زیبایی) روح انسانی است و روان شناسان معتقدند تمام زیباییهای ادبی، شعری، صنایع ظریف هنری، و دستی و جز آن هر آن چه در زیر مجموعه هنر هست، مولود این حس می باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ش: ج ۶: ص ۱۵۰)

۲-۴: استفهام در معنای ثانویه

امام رضا (ع) در متون خویش، اقیانوسی از معنی را در قالب میدانی گسترده از معانی ثانویه به کار برده اند و این در عرصه ادب و بلاغت، شاهکاری بسیار بزرگ شمرده می شود و یکی از وجوه هنر در زبان ادبی همین خروج از هنجارهای عادی زبان به اقتضای حال و مقام است که قطعاً به قصد تأثیر در مخاطب و مبالغه در معنی و اهداف بلاغی صورت می گیرد.

به عنوان مثال امام (ع) در توصیف امامت و جایگاه آن می‌فرماید: «...هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ، ضَلَّتِ الْعُقُولُ، وَ تَاهَتِ الْحُلُومُ... فَكَيْفَ يُوصَفُ بِكَلِمَةٍ أَوْ يُنْعَتُ بِكَيْفِيَّتِهِ، أَوْ يُوجَدُ مَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ، أَوْ يُغْنِي غِنَاهُ...» (حرآنی، ۱۴۱۷ق:ص ۳۲۴): «... نه، هرگز، هرگز؛ در وصف شأنی از شؤن و فضیلتی از فضائل او، عقول به گمراهی افتاده و حیران و سرگردان مانده است... چگونه می‌توان او را به طور کامل وصف کرد و کیفیت او را بیان نمود، یا کسی را یافت که جای او را بگیرد یا نیاز او را برطرف سازد.»

در این فراز ملاحظه می‌شود که امام به گونه‌ای لطیف، استفهام را در معنای ثانوی و به معنای نفی و انکار به کار می‌گیرد و بلاغت را در خدمت هدف غایی خویش که همان بسط عدالت و دین خدا است، قرار می‌دهد.

۲-۵: غنای متن از کلمات فصیح و متنوع

بیانات رضوی دارای واژگان فصیح و گوناگون و بسیار غنی است. از امام رضا (ع) پرسیدند: «كَيْفَ أَصْبَحْتَ؟ رُزْغَارَ رَا چَگونَه می‌گذرانی؟ امام فرمود: أَصْبَحْتُ بِأَجَلٍ مَنقُوصٍ، وَعَمَلٍ مَحْفُوظٍ، وَالْمَوْتُ فِي رِقَابِنَا، وَالنَّارُ مِنْ رِوَابِنَا، وَ لَا نَدْرِي مَا يَفْعَلُ بِنَا» (حکیم، ۱۳۸۵ش:ث ۳۶۲) بسیاری از مردم در جواب سؤال فوق به کلمه «الحمد لله» و یا «شکراً» و عباراتی از این قبیل اکتفا می‌نمایند، ولی امام (ع) در پاسخ از کلمات فصیح و غنی استفاده کردند و جوابی را که ارائه نمودند که درس عبرت از زندگی را تشکیل می‌دهد. ایشان می‌فرمایند: «روزگار را در حالتی می‌گذرانم که از عمرم کاسته، کردارم ثبت گردیده، ریسمان مرگ بر گردن‌مان افکنده شده است، آتش دوزخ را پشت سر داریم و نمی‌دانیم با ما چه خواهند کرد.»

فصاحت و شیوایی کلام و کاربرد واژگان غنی، یکی از ویژگیهای خطیب و گوینده به شمار می‌آید و باعث می‌شود، سخن او، خالی از اختصار زیاد و تفصیل ملال‌آور باشد. و نیز در خطابه و مناظره، نظم الفاظ را طوری با هم ترکیب نماید که معانی مقصود گوینده را منتقل نماید. در متن فوق، هیچ امری که باعث خروج کلمات از فصاحت باشد وجود ندارد و در عین حال میان کلمات به کار رفته آن چنان پیوستگی برقرار است که معنای آن به سادگی قابل فهم است.

۲-۶: ابتکار در معنا و مفاهیم

اگر نویسنده و سخنور، معنا و مفاهیم را از ذهن و اندیشه خویش در قالب یک متن ادبی تجلی و

تبلور بخشد، عنصر ابتکار را به کار برده است. بیانات رضوی به گونه‌ای است که عنصر ابتکار هم در معنا و هم در ساختار در درجه بالایی قرار دارد. مضامین متون و مناظرات و گفتگوها فرآورده افکار شریف ایشان است و آنها را براساس ذوق ادبی‌شان منظور نموده است. امام در رابطه با ایمان می‌فرماید: «الإيمانُ عَقْدٌ بِالْقَلْبِ، وَ لَفْظٌ بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ، لَا يَكُونُ الْإِيمَانُ إِلَّا هَكَذَا» (قربانی، ۱۳۸۸ش: ج ۱: ص ۳۲۵): «ایمان، پیمانی قلبی و تلفظ به زبان و عمل با اعضا و جوارح است و جز این گونه نمی‌باشد».

در این عبارتها امام (ع) معانی منحصر به فرد ابتکار نموده‌اند و آنها را در قالبهای آهنگین و با پیسوتگی تمام موسیقاییی به کار برده‌اند.

۲-۷: تقلید در معنا و مفهوم

اگر نویسنده و یا سخنور، معانی و مفاهیم محصول و زاینده تفکر دیگران را در قالبها و جمله‌هایی به کار ببرد، عنصر تقلید را به کار برده است. در میان سخنان امام رضا(ع)، جمله‌های فراوانی یافت می‌شود که رگه‌هایی از معانی و مضامین آنها از قرآن کریم و یا از حضرت رسول (ص) و یا از حضرت علی(ع) اقتباس شده است. البته این دلالت بر ضعف نیست بلکه توسعه و گسترش و تفسیر موضوع به وسیله قالبهای ادبی نشانگر قوت و ورزیدگی امام رضا(ع) در فنون تعبیری است. مثلاً درباره لیلۃ القدر فرمودند: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ يُقَدِّرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا مَا يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ مِنْ حَيَاةٍ أَوْ مَوْتٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ رِزْقٍ» (صدوق، همان: ص ۳۶۸): «در شب قدر، خداوند مقدرات امسال تا سال آینده را، از مرگ و زندگی، خیر و شرّ و رزق و روزی، همه را مقدر می‌فرماید.» که در عبارت فوق در رابطه با لیلۃ القدر از آیات قرآن کریم بهره گرفته است. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (قدر / ۱-۲) و یا این که در قرآن تقسیمات علمی فراوانی دیده می‌شود که امام رضا(ع) از آن تأثیر زیادی پذیرفته است. به عنوان نمونه امام از این تقسیم قرآنی تأثیر پذیرفته است. «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنُ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» (فاطر / ۳۲): «پس کتاب را به آنان که از بندگان خویش برگزیدیم، ارث دادیم پس برخی از ایشان ستم کننده بر جان خود است و برخی از ایشان میانه‌رو و گروهی از ایشان به فرمان خدا سبقت گیرنده به سوی خوبیهاست، آن همین فضل بزرگ است.» ایشان تحت تأثیر این تقسیم درباره مردم می‌فرمایند: «النَّاسُ ضَرْبَانِ: بِالْبَالِغِ لَا يَكْتَفِي، وَ طَالِبٌ لَا يَجِدُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج

۷۵: ص ۳۴۹): «مرم دو گونه‌اند: رسیده‌ای که بسنده نمی‌کند و جوینده‌ای که نمی‌یابد.»

۲-۸: پیوستگی و انسجام میان لفظ و معنا

در این رابطه می‌توان گفت که امام رضا(ع) برای هر معنا و مضمونی در متن، عبارت و لفظ خاص را به کار می‌برند و این پدیده در تمامی متون و خطب و مناظرات به وضوح مشاهده می‌شود. در این موضوع حضرت به مردی که غیبت شخصی را نموده بود، چنین فرمود: «إِيَّاكُمْ وَالْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ» (بشارتی، ۱۳۸۱ش: ص ۲۸): «از غیبت کردن بهره‌زید به درستی که غیبت خوراک سگان دوزخ است.» این عبارت در عین کوتاهی معانی بلندی دارد و موجب توجه شنونده به گناه و پلیدی و آگاهی او از غیبت می‌گردند. واژگان عبارات فوق و نیز ساختار آن از قبیل کلاب و النار و ایاکم دارای بار توییحی و شوک‌دهندگی است، تا غرض متن که همان تجسیم بدی غیبت باشد برای مخاطب حاصل گردد و از راهی که در آن سیر نموده، بهره‌زید.

۲-۹: موسیقی و آهنگین بودن کلمات

موسیقی و آهنگین بودن کلمات با به کار بردن صحیح کلمات در جاهای مناسب خویش در متن حاصل می‌گردد. بنابراین یکی از جلوه‌های زیبایی یک متن آهنگ موسیقایی است. به عنوان نمونه امام رضا(ع) درباره‌ی رشوه می‌فرماید: «الرَّأشِي وَالْمُرْتَشِي وَالْمَاشِي بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ» (قربانی، همان: ص ۲۷۱): «رشوه دهنده و گیرنده‌ی آن و واسطه‌ی بین آن دو نفرین شده هستند...» این عبارت به دلیل قرار گرفتن مناسب هر کدام از کلمات در جای خویش از آهنگ موسیقی دلنشین برخوردار است، و حضرت، موسیقی و ایقاع را در کلمات الرَّأشِي وَالْمُرْتَشِي وَالْمَاشِي به کار برده‌اند. و یا در این دعا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ طُمَّهُ بِالْبَلَاءِ طَمًّا وَغَمَّهُ بِالْبَلَاءِ غَمًّا، وَقُمَّهُ بِالْأَذَى قَمًّا...» (همان: ۴۷۹): «خداوندا آن دشمن را بسیار سخت فراگیر و بلا را به او ببوشان و آزار را بر او مسلط گردان...» در عبارت فوق امام(ع)، موسیقی و ایقاع را در کلمات طُمَّهُ، غَمَّهُ، قُمَّهُ و نیز در کلمات طَمًّا، غَمًّا و قَمًّا به کار برده‌اند، که به زیبایی لفظ افزوده است.

۲-۱۰: تشبیه

تشبیه یکی از موضوعات علم بیان است، استفاده از تشبیه، از دیرزمان، یکی از ساده‌ترین و مؤثرترین راه‌های تربیتی بوده است؛ لذا نویسندگان و گویندگان، برای آسان ساختن درک مطالب پیچیده یا زیبایی کلام، از تشبیه بهره می‌برند و از این طریق، مقصود خویش را به مخاطب منتقل

می‌کنند و او را به اندیشه وا می‌دارند.

بیانات امام رضا(ع) که مسایل گوناگون اخلاقی، عرفانی، حکمی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهد، از تشبیه و تمثیل خالی نبوده، بلکه به طور قابل توجه، از این دو استفاده کرده و مسایل معنوی، عقیدتی و عقلی را - که از محسوسات نبوده - به اشیاء حسی و قابل درک تشبیه و تمثیل کرده است.

تشبیه در سخنان ایشان به نحوی بسیار زیبا و ظریف به کار رفته است که برای نمونه به مواردی از آن اشاره می‌شود.

حضرت در سخنی جالب، والی مسلمین و مدیر امت مسلمان را به ستون خیمه تشبیه کرد و فرموده‌اند: «اما عَلِمْتَ أَنْ وَ إِلَى الْمُسْلِمِينَ مِثْلُ الْعَمُودِ فِي وَسَطِ الْفُسْطَاطِ مِنْ أَرَادَةِ أَخَذَهُ» (مجلسی، همان:ص ۱۶۵): « آیا نمی‌دانی که والی مسلمانان همچون ستون میان خیمه است که (اولاً تمام بار سقف بر روی آن استوار است و ثانیاً نقطه مرکزی دایره شعاعش نسبت به همه جوانب یکسان است.» به طوری که هر کس در هر زمان و از هر طرف که اراده کند به او دسترسی خواهد داشت»

و یا در جای دیگر در تبیین امامت می‌فرماید: «... الإِمَامُ الْبَدْرُ الْمُنِيرُ وَ السَّرَاجُ الزَّاهِرُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ النَّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَابِ الدُّجَى وَ أَجْوَاذِ الْبُلْدَانِ وَ الْقِفَارِ وَ لَجَجِ الْبِحَارِ...» (صدوق، همان:ص ۴۵۰): « امام ماه نورانی، چراغ درخشان، روشنایی پرتوافکن و ستاره راهنما در دل تاریکیها و صحراهای خشک و بی‌آب و علف و موجهای وحشتناک دریاها است...».

در این فراز امام (ع) به ماه نورانی و چراغ درخشان و روشنایی پرتوافکن و ستاره راهنما تشبیه شده است. این نوع تشبیه، که در آن ادات تشبیه و وجه شبه حذف شده باشد، تشبیه بلیغ نامیده می‌شود. (هاشمی، ۱۳۶۹ش:ص ۲۸۱) و از بهترین نوع تشبیه به شمار می‌آید و قدرت تخیل در آن چنان عالی است که موهم اتحاد و عدم تفاضل مشبه و مشبه به نسبت به یکدیگر است. در این‌جا ایشان در قالب تشبیه فرموده‌اند که امام نه مانند ماه بلکه خود ماه است.

در فرازی دیگر می‌فرماید: «... الإِمَامُ السَّحَابُ الْمَاطِرُ وَ الْغَيْثُ الْهَاطِلُ وَ الشَّمْسُ الْمُضِيئَةُ وَ السَّمَاءُ الظَّلِيلَةُ وَ الْأَرْضُ الْبَسِيطَةُ وَ الْعَيْنُ الْغَزِيرَةُ وَ الْغَدِيرُ وَ الرَّوْضَةُ» (صدوق، همان: ص ۴۵۰): (امام ابر پر باران و باران پر برکت است، خورشید درخشان و زمین گسترده و چشمه جوشان و باغ و برکه است.)

در این فراز، امام رضا(ع) در تبیین امامت، امام را به خورشید درخشان و باران پر برکت و چشمه جوشان تشبیه کرده و وجه شبه در این عبارات محذوف است، چنان که در بلاغت و ادب، وجه شبه هر چه ظریف‌تر و از ذهن مردم عادی دورتر باشد، بلیغ‌تر است.

۲-۱۱: مجاز استعاری^۵

مجاز، جلوه‌ای از جلوه‌های بلاغت است. در مجاز شور و شوقی برای جستجو و یافتن مفهومی نو و تازه است که باعث اثرگذاری و جذابیت بیشتر سخن می‌شود. از آن جایی که مجاز باعث شکفتن و والایی معنا می‌گردد، امام رضا(ع) در کلام خویش از این ابزار بیانی استفاده نموده و سخنانش را با آن زینت داده است. هر قدر استعمالهای مجازی از قبیل استعاره و کنایه، لطیف‌تر و تناسب میان معنای حقیقی و مجازی بیشتر باشد، سخن رونق و زیبایی افزون‌تر می‌یابد و بهتر بر نفس مؤثر می‌افتد. «مجاز، گوهری از گوهرهای گران‌بهای بلاغت است که گوینده بلیغ و نویسنده می‌تواند از این نوع استعمال سرمایه بگیرد، و کلام را موافق طبع و ذوق و بر اساس یک هدف عالی قرار دهد و در عین حال لفظ را زیبا آورده و معنی را هم به ذهن شنونده نزدیک سازد.» (جرجانی، ۱۳۶۸ش:

ص ۳۶۵)

از نمونه‌های این کاربرد مجازی می‌توان به این سخن امام(ع) که از قرآن یاد کرده، نظم و انسجام آن را معجزه‌ای سترگ خواند، ذکر نمود: «... هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ، وَ عُرْوَةٌ الْوُثْقَى وَ طَرِيقَتُهُ الْمَثَلَى...» (صدوق، همان: ص ۱۳۷): «قرآن ریسمان استوار الهی و دستاویز محکم و شیوه و راه آن الگو و نمونه است.» در این فراز حبل و عروه به لحاظ بیانی از باب استعاره مصرّحه می‌باشد.

گفتنی است قاعده استعاره‌سازی یکی از قوانین مصوب در زبان‌شناسی است. برخی از زبان‌شناسان شناختی بر این باور هستند که تمام تفکر انسان، استعاره و مبتنی بر جسم‌پنداری و استعاره‌هایی است که بر اساس تعامل و تجربه دنیای بیرون شکل می‌گیرد و به شکل طرح‌واره‌های انگاره‌ای مکان، حرکت و نیرو و جز آن قابل درک و بررسی است. برخی نیز در تحلیل آن از فضای ذهنی یا تلفیق فضاها استفاده می‌کنند. بنابراین باید گفت یکی از اساسی‌ترین بحث در این جا استعاره‌سازی بر مبنای جسم‌پنداری (تجسیم) است، زیرا بدون در نظر گرفتن این ویژگیها، نگاشتن و منطبق کردن فضا و عناصر انتزاعی بر فضا و عناصر عینی و ملموس و نیز درک آنها ناممکن است. این اساس تفکر انسان و زبان انسانی و ناگزیر است، حتی می‌توان گفت جز با این زبان

نمی‌شود چیزی را به انسان فهماند. (ولایتی، ۱۳۸۹ش: ص ۱۳۰) بنا بر این امام رضا (ع) هم با بهره‌گیری از این ابزار بیانی، با تحریک تخیل به وسیله تجسیم، قرآن را ملموس و در برابر ذهن مخاطب به صورت زنده حاضر نمود.

۳-۱: سجع^۶

آخرین بُعد از ابعاد صور بلاغی در بیانات رضوی شکوه بدیعی است. سخنان امام رضا (ع) مملو از صنایع بدیعی است. سجع، جناس و طباق از عمده‌ترین آرایه‌هایی است که در گفتار حضرت به کار رفته است.

سجع از جمله عناصری است که در تولید آهنگ و زیبایی متن تأثیری به سزا دارد و جز با به کار بردن صحیح کلمات در جای مناسب خویش در متن حاصل نمی‌گردد. به عنوان نمونه، امام (ع) در جواب مرد بلخی که گفت سؤالی دارم، اگر آن گونه که می‌خواهم، پاسخ بدهی، امامت شما را می‌پذیرم. فرمود: در هر موردی که می‌خواهی بپرس. مرد بلخی گفت: خدای تو از چه هنگام بود؟ و چگونه بوده و در امر آفرینش و دیگر کارهایش بر چه چیزی متکی بوده است؟ مرا از این امور آگاه کن. امام (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - أَيْنَ الْأَيْنِ بِلَا أَيْنَ، وَ كَيْفَ الْكَيْفِ بِلَا كَيْفٍ، وَ كَانَ اعْتِمَادُهُ عَلَى قُدْرَتِهِ» [صدوق، همان: ص ۲۶۶؛ حکیم، همان: ص ۳۴۸]: «خداوند تبارک و تعالی بدون این که جا و مکان داشته باشد آنها را خلق کرد و بی آنکه که خود چگونگی داشته باشد، چگونگی را آفرید و در این آفرینش و دیگر امور بر قدرت خویش تکیه داشت.» در این عبارت به دلیل قرار گرفتن مناسب هر کدام از کلمات در جای خویش عبارت از آهنگ موسیقایی دلنشینی برخوردار است. حضرت موسیقی و ایقاع را در کلمات «أَيْنَ، أَيْنَ وَ كَيْفَ وَ كَيْفَ» به کار برده است.

ویژگی دیگر در بیانات رضوی، انتخاب واژگان نکره و معرفه در جای گاه‌های خاص می‌باشد، تا بر معنی ویژه مورد نظر ایشان دلالت کند، برای نمونه می‌توان به وارد شدن ال استغراق جنس بر سر کیف و این در جملات فوق اشاره کرد. گفتنی است که داخل شدن ال بر سر این دو واژه بیانگر این است که هر گونه کیفیت و ویژگیهای مکانی از سوی خداوند تعیین شده و هیچ چگونگی یا کجایی خارج از ید و قدرت و تدبیر او نیست.

۳-۲: طباق^۷

شاهد دیگر زیبایی ساختاری بیانات رضوی، طباق است. امام رضا(ع) در مورد سخاوتمند و بخیل می‌فرماید: «السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنْ اللَّهِ، قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ، بَعِيدٌ مِنَ النَّارِ، وَ الْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ، بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ» (صدوق، همان، ج ۲: ص ۱۵) در این فراز، کلمات سخی و بخیل و قریب و بعید طباق دارند، و علاوه بر آن جملات به صورت اسمیه آمده است تا بر ثبوت دلالت نماید.

هم‌چنین در این عبارت: «لَمْ يَخْنِكِ الْأَمِينُ، وَ لَكِنْ ائْتَمَّتِ الْخَائِنَةَ» (حرانی، همان: ص ۳۲۵) میان دو واژه امین و خائن و هم‌چنین در معنای دو واژه یخنک و ائتمنت طباق وجود دارد.

 ۳-۳: جناس^۸

یکی دیگر از زیباییهای بیانات رضوی از نظر ساختاری، جناس است. در عبارت ذیل حضرت می‌فرماید: «... إِنَّمَا النَّاسُ رَجُلَانِ: رَجُلٌ خَيْرٌ مِنْهُ وَ اتَّقَى، وَ رَجُلٌ شَرٌّ مِنْهُ وَ أَدْنَى...» (همان: ص ۳۲۶) که میان دو واژه اتقی و ادنی جناس لا حق وجود ارد. و یا این که در مورد شخص مسلمان می‌فرماید: «لَا يَتِيمٌ عَقْلٌ امْرُءٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ، الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ، يَسْتَكْثِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ، وَ يَسْتَقِيلُ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ.» (همان: ص ۳۲۶) در این عبارت میان دو واژه مأمول و مأمون جناس لا حق نهفته است، که زیبایی خاصی به متن داده است.

 ۳-۴: مقابله^۹

مقابله هم از جمله آرایه‌هایی است که در بیانات رضوی به کار رفته است. امام رضا(ع) درباره قلب می‌فرماید: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَارًا وَ نَشَاطًا وَ فُتُورًا، فَإِذَا أَقْبَلَتْ بَصُرَتْ وَ فَهِمَتْ، وَ إِذَا أَدْبَرَتْ كَلَّتْ وَ مَلَّتْ، فَخَذُّوْهَا عِنْدَ إِقْبَالِهَا وَ نَشَاطِهَا، وَ أْتَرُكُوهَا عِنْدَ إِدْبَارِهَا وَ فُتُورِهَا.» (دخیل، ۱۳۹۴ق: ص ۴۵) در این عبارت میان واژه‌های اقبال و ادبار و نشاط و فتور و خدوا و اترکوا مقابله وجود دارد.

نتیجه‌گیری

امام رضا(ع) برترین عالم روزگار خود و بزرگ‌ترین پرچم‌دار نبردی فرهنگی، در بیان معارف دین مبین اسلام، از ساده‌ترین بیانه‌ها و روشهای بلاغی استفاده نموده که در قالب دعا، مناظرات و کلمات قصار به مسلمانان عرضه شده است. در این مقاله به مهم‌ترین صور بلاغی در بیانات گرانسنگ رضوی پرداخته شد و نتایج و رهیافتهای ذیل به دست آمد:

۱. بیانات رضوی از نظر زیباشناسی در بر دارنده جذاب‌ترین اسلوب و برخوردار از زیباترین صور بلاغی اعم از تشبیه، مجاز، قصر، حسن ابتدا، حسن ختام، سجع، طباق، مقابله، جناس و جز آن است؛

۲. بیانات رضوی به لحاظ محتوی و درون مایه سرشار از حکمت و از نظر قالب و اسلوب آکنده از فصاحت و بلاغت است؛

۳. در بیانات رضوی میان لفظ و معنا انسجام و پیوستگی خاص وجود دارد؛

۴. امام رضا(ع) در بیانات خویش، اقیانوسی از معنی را در قالب لفظ به کار برده‌اند و این در عرصه ادب و بلاغت شاهکاری بسیار بزرگ شمرده می‌شود؛

۵. ایشان بلاغت و فصاحت گفتار را در خدمت هدف غایی خود که همان بسط عدالت و گسترش دین الهی است، قرار داده‌اند؛

۶. بیانات رضوی، بر پایه عباراتی فصیح، دقیق، ساده و بلیغ با رعایت مقتضای حال بیان شده است؛

۷. با بررسی صور بلاغی و ادبی هم می‌توان به عمق معارف دینی رسید. و هم شیوه‌های امام(ع) را در گفتمانهای دینی اجرا کرد، در این صورت به یقین می‌توانیم در معرفی اسلام به جهان موفق‌تر باشیم.

پی‌نوشتها:

۱. حسن ابتدا: حسن ابتدا آن است که آغاز سخن ظریف و آسان، معانی آشکار، مستقل از ما بعد آن مناسب با موقعیت باشد. به گونه‌ای که شنونده را برای گوش دادن به همه سخن جذب نماید. (هاشمی، ۱۳۶۹ش: ص ۴۳۷)
۲. حسن ختام: حسن ختام، آن است که متکلم پایان سخنش را، لفظ دلنشین، خوش سبک، درست معنا قرار دهد در حالی که پایان یافتن سخن را نیز بفهماند. (هاشمی، همان: ص ۴۳۹)
۳. قصر: قصر، عبارت است از اختصاص دادن حکم به آن چیزی یا شخصی که در کلام ذکر شده است، و نفی آن حکم از دیگران با شیوه مخصوص. (تفتازانی، ۱۴۱۱ق: ص ۱۱۵)
۴. تشبیه: تشبیه آن است که بر اشتراک چیزی با چیز دیگر در معنایی دلالت می‌کند. (تفتازانی، همان: ص ۱۸۸)
۵. مجاز استعاری: عبارت از استعمال لفظ در غیر معنای اصلی به جهت علاقه مشابهتی است که بین معنای اصلی و بین معنای مجازی همراه با قرینه بازدارنده از اراده معنای اصلی وجود دارد. (هاشمی، همان: ص ۳۱۵)
۶. سجع: سجع، عبارت از این است که دو فاصله (یعنی آخرین کلمه جمله) در نثر در حرف آخر با هم توافق و اتحاد داشته باشند. (تفتازانی، همان: ص ۲۹۴)
۷. طباق: عبارت از جمع کردن بین دو لفظی است که از حیث معنی در بین آنها تقابل است. (هاشمی، همان: ص ۳۸۱)
۸. جناس: عبارت از استعمال دو لفظی است که در صورت مشابه یکدیگر باشند لکن در معنا متفاوت باشند. (تفتازانی، همان: ص ۲۸۸)
۹. مقابله: مقابله آن است که دو معنای هماهنگ یا چند معنای متناسب آورده شود سپس به ترتیب معنای متقابل آنها آورده شود. (هاشمی، همان: ص ۳۸۳)

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن بابویه (صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین (۱۳۷۳ش)، *عیون اخبار الرضا(ع)*، مترجم حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، چاپ اول، نشر صدوق، تهران.
۴. _____ (۱۴۲۵ق)، *عیون اخبار الرضا(ع)*، چاپ اول، المكتبة الحیدریة، قم.
۵. _____ (۱۴۲۵ق)، *معانی الأخبار*، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۶. بشارتی، علی محمد (۱۳۸۱ش)، *میهمان آسمانی*، چاپ اول، سوره مهر، تهران.
۷. تفتازانی، سعدالدین (۱۴۱۱ق)، *مختصر المعانی*، چاپ اول، قم.
۸. جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۶۸ش)، *دلایل الاعجاز*، مترجم محمد رادمنش، بی جا، مشهد.
۹. حرّانی، ابن شعبه (۱۴۱۷ق)، *تحف العقول*، تعلیق حسین اعلمی، چاپ ششم، بی جا، بی نا.
۱۰. حکیم، سید منذر؛ سید شهاب الدین حسینی (۱۳۸۵ش)، *پیشوایان هدایت*، مترجم سید حسین اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت، قم.
۱۱. خانجانی، علی اوسط (۱۳۸۴ش)، *شکوه تعبیر و صحیفه سجادیه*، فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۱۵، دانشگاه شیراز، شیراز.
۱۲. دخیل، علی محمد علی (۱۳۹۴ق)، *الإمام علی بن موسی الرضا(ع)*، چاپ دوم، دارالتراث الإسلامی، بیروت.
۱۳. قربانی، مهدی (۱۳۸۸ش)، *هنر و یک حدیث رضوی*، چاپ اول، انتشارات قاف، مشهد.
۱۴. مازندرانی، محمد هادی بن صالح (۱۳۷۶ش)، *انوار البلاغه*، به کوشش محمد علی غلامی نژاد، چاپ اول، تهران.
۱۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، بیروت.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ش)، *تفسیر نمونه*، چاپ بیست و ششم، دارالکتب الاسلامیة، تهران.
۱۷. ولایتی، مریم، بتول مشکین فام (۱۳۸۹ش)، *نقش عنصر حرکت در حیات بخشی به تصاویر قرآن و بررسی آن در جزءهای ۲۸ تا ۲۹ قرآن کریم*، تحقیقات علوم و قرآن و حدیث دو فصلنامه علمی - پژوهشی، سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۱۳، دانشگاه الزهراء، تهران.
۱۸. هاشمی، احمد (۱۳۶۹ش)، *جواهر البلاغه*، چاپ چهارم، بی جا، قم.